

Investigating the Role of the Command to the Good and Forbidding the Denied in Islam and its Correct implementation in the society

hamidreza sohrabi¹

Department of Islamic Education, Faculty of Medicine, Yasouj University of Medical Sciences, Yasouj, Iran (Corresponding Author)

frzanh askritybe²

Education teacher of Boyerahmad district, Yasouj, Iran

This research aims to clarify the promise of good and forbidding evil and provide proper solutions based on the theoretical framework of the Holy Qur'an, the Sire and the words of the Prophet and the Imams, and the method of transmigration, following the review of the promise of good and forbidding evil in society. Of the very strange and unknown, oppressed and outcast subjects in the intellectual and political system of Islam, it is a matter of good and forbidding evil.

It is an affair with the good and forbidding evil, is the code of stability and the establishment of the divine orders and the saltiness of the Islamic society. The Bible of the Qur'an and the Sera of Nabavi and the family of the infallibles and the religion of the scholars of Islam indicate that this mandate has a special place in Islam and it is obligatory to practice it in accordance with the conditions of all Muslims. Therefore, it is obligatory for the good and forbidding the disbelief of the obvious, and this is the decree in all divine religions, and the past nations were obligated to do so. The most important methods proposed in this study for the proper implementation of this mandate are attention to the capacities, the use of indirect methods, rooting and treatment, non-discrimination, softness and kindness, taking advantage of the opportunity to observe the rights of individuals.

Keywords: affair - famous - forbid - denial

بررسی نقش امر به معروف و نهی از منکر در اسلام و راهکارهای اجرای صحیح آن در جامعه

حمیدرضا سهرابی

استادیار، گروه معارف اسلامی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، ایران (نویسنده مسئول)

Dr.sohrabi1393@gmail.com

فرزانه عسکری طبیبی

آموزگار آموزش و پرورش منطقه بویراحمد

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین فریضه امر به معروف و نهی از منکر و ارائه راهکارهای اجرایی صحیح بر اساس چارچوب تئوریک کتاب مقدس قرآن، سیره و سخنان پیامبر و ائمه معصومین ای و با روش نقلی بدنبال بررسی فریضه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه است. از موضوعات بسیار غریب و ناشناخته و مظلوم و از صحنه رانده شده در نظام فکری و سیاسی اسلام، موضوع امر به معروف و نهی از منکر است.

امر به معروف و نهی از منکر، رمز پایداری و برپایی دستورات الهی و شور نشاط جامعه اسلامی است. کتاب مقدس قرآن کریم و سیره نبوی و سیره معصومین و سیره عالمان دینی بیانگر این است که این فریضه در اسلام جایگاه ویژه ای دارد و عمل به آن به تناسب شرایط بر همه مسلمانان واجب است. لذا وجوب امر به معروف و نهی از منکر از بدیهیات است و این فریضه در همه ادیان الهی بوده و امت‌های گذشته نیز بدان مکلف بوده اند. از مهمترین روشهای پیشنهادی در این پژوهش برای اجرای صحیح این فریضه: توجه به ظرفیت ها ، بهره گیری از روش های غیر مستقیم ، ریشه یابی و درمان ، برخورد دور از تبعیض ، نرم خوئی و مهرورزی، بهره گیری از فرصت و رعایت حقوق افراد می باشد.

کلید واژه ها: امر – معروف – نهی – منکر

مقدمه

انسان به دلیل اجتماعی بودنش، نیاز به جمعی دارد که انیس او باشند، تا از غم‌ها و سختی‌ها رهایی یابد و استعدادهای نهفته‌اش را به فعلیت برساند، وگرنه انسانیت انسان، بی‌معنا خواهد بود. به همین دلیل زندگی انسان، شکل گروهی به خود گرفته و اجتماعات متفاوت و در عین حال، شبیه به هم را به وجود آورده است و رشد و تعالی انسانها تنها در محیط و اجتماع سالم و پاک، امکان پذیر است. چون افراد یک اجتماع سالم، همانند اعضای یک بدن، در طریق حیات اجتماعی و سازمان دادن به زندگی صحیح انسانی سهیم و شریکند و هیچ یک از آنان نمی‌تواند خود را در قبال سودها و زیان‌های اجتماعی بی‌تفاوت دانسته و عکس‌العملی از خود نشان ندهد، اینجاست که مسئله امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت همگانی ضرورت پیدا می‌کند.

از طرفی انسان در دستگاه خلقت الهی به گونه‌ای آفریده شده که اجتماعی بودن از برجسته‌ترین ویژگی‌های اوست، به گونه‌ای که نقش هر مسلمان در تعیین سرنوشت جامعه و تعهدی که باید در پذیرش مسؤولیت‌های اجتماعی داشته باشد، ایجاب می‌کند که او ناظر و مراقب همه اموری باشد که پیرامون وی اتفاق می‌افتد. این مسئله مهم در فقه اسلامی تحت عنوان «امر به معروف و نهی از منکر» مطرح شده و از مهم‌ترین مبانی تفکر سیاسی یک مسلمان به شمار می‌رود؛ چنان‌که از مهم‌ترین فرایضی است که وجوب کفایی آن، ضرورت دین‌شناخته شده و ضامن بقای اسلام است.

امر به معروف و نهی از منکر بزرگ‌ترین محور دین و مسئله مهمی است که برای آن، خداوند تمام پیامبران را برانگیخته است. چنانکه اگر بساط امر به معروف و نهی از منکر برچیده و از نظر عملی و علمی مهمل گذارده شده بود، نبوت بیهوده می‌بود و دیانت نابود می‌شد، سستی و گمراهی و جهل و فساد همه را فرا می‌گرفت، کج‌اندیشی فراگیر می‌شد و شهرها ویران و مردمان هلاک می‌شدند. امر به معروف و نهی از منکر، یک واجب مهم اسلامی است که متأسفانه هم‌شناخت کافی در مورد آن وجود ندارد و هم بطور شایسته مورد توجه قرار نگرفته است. حتی در جامعه اسلامی ما، با این‌که قرآن و احکام در درجه اول اهمیت قرار دارند، باز هم این اصل مهم مورد غفلت و کم‌مهری واقع شده و توجه کافی بدان نشده است. این فریضه الهی محیط را برای تربیت افراد صحیح و لایق، مساعد می‌کند و مادام که بشر به وجود افراد صالح محتاج است، به امر به معروف و نهی از منکر هم محتاج است. همچنین زمینه‌های فساد را از میان می‌برد و کانون‌های فحشا و منکرات را ریشه کن می‌سازد. پس انسان تا در این جهان طبیعت زندگی می‌کند هیچ‌گاه از امر به معروف و نهی از منکر بی‌نیاز نیست. اگر امر به معروف و نهی از منکر در جامعه ترک شود رفته رفته دامنه گناهان و معاصی توسعه پیدا کرده رشته زندگی اجتماعی بشر از هم گسیخته خواهد شد و مفاصد و معایب بزرگ تولید می‌گردد از طرفی استفاده از راهکارهای مناسب در امر به معروف و نهی از منکر یکی از مهم‌ترین مسایلی است که باید به آن پرداخته شود چرا که بدون آن اجرای این فریضه الهی امکان پذیر نخواهد بود و بلکه در مواردی ممکن است تأثیرات سویی نیز داشته باشد.

بر این اساس اهمیت و ضرورت اتخاذ شیوه های صحیح و مناسب برای انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر کاملاً امری بدیهی است. نا آگاهی از روشهای اجرای این فریضه چه بسا عکس العمل منفی در فرد مخاطب ایجاد کند. تبعات سوء و پیامدهای منفی ناشی از به کار بستن روشهای نامناسب در جامعه ما، مصادیق بسیاری دارد. این پژوهش با هدف تبیین فریضه امر به معروف و نهی از منکر و ارائه راهکارهای اجرایی صحیح بر اساس چارچوب تئوریک کتاب مقدس قرآن، سیره و سخنان پیامبر(ص) و ائمه معصومین و با روش نقلی بدنبال بررسی فریضه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه و ارائه راهکارهای لازم در این زمینه می باشد.

تعریف مفاهیم

امر: امر در لغت به دو صورت به کار رفته است:

۱. امری که جمع آن «اوامر» است. این امر ضد نهی و به معنای طلب و فرمان بوده و به صورت مصدر و اسم مصدر کاربرد دارد.
۲. امری که جمع آن «امور» است. این امر همواره اسم مصدر است و برای آن معنایی مانند شأن، حال، حادثه و شیء ذکر شده است. برخی گفته‌اند: بعید نیست معنای اصلی امر معنای نخست بوده و سپس در معنای دوم به کار رفته باشد. برخی نیز معنای واحد در ماده «ا - م - ر» را، طلب و تکلیف همراه با استعلا دانسته‌اند. (دایره المعارف قرآن کریم، ۱۳۸۳، ص ۸۰)

امر الهی دارای دو معناست:

۱. فرمان تشریحی خداوند
۲. امر تکوینی و شأن الهی.

هرگاه خداوند خواستار تحقق چیزی باشد، اگر آن را به صورت فرمان به بندگان خود اعلام کند تا آنان با اراده خویش آن را محقق سازند، این فرمان، امر تشریحی خداست و اگر مستقیماً آن را ایجاد کند و اراده بندگان دخالتی در تحقق آن نداشته باشد، این ایجاد، امر تکوینی الهی است. واژه امر و مشتقات آن در آیات فراوانی به خداوند نسبت داده شده است و مضمون آن نیز از آیاتی پرشمار که مشتمل بر این واژه و مشتقات آن نیست استفاده می‌شود. این آیات گاهی با واژه‌هایی دیگر مانند «حکم» و «قضاء» و گاهی با صیغه و هیئت امر، به امر الهی پرداخته‌اند. یکی از اسمای الهی که در برخی از دعاها وارد شده «امر» است؛ مانند: «یا امر» «یا امرأ بکلّ خیر» «یا امرأ بالطّاعة» و در دعایی صفت «ذی القدره والأمر» به خداوند نسبت داده شده است. در روایاتی نیز به امر الهی اشاره شده است. (دایره المعارف قرآن کریم، ۱۳۸۳، ص ۸۰)

نهی: واژه «نهی» به معنای بازداشتن، منع کردن و نهایت رسیدن می باشد؛ زیرا نهی، بر غایت و بلوغ دلالت دارد و نهایت هر چیزی، غایت آن است؛ چنان که گفته می شود: «انتهیت الیه خیر» همین گونه است در مورد فردی که در حال انجام کاری است و سپس از آن نهی می گردد؛ چون آن کار به پایان می رسد. از این جهت، عرب به شتری که به آخرین درجه چاقی رسیده باشد،

«ناقه نهیه» و به عقل، به دلیل آن که از کار زشت باز می‌دارد، «نهیه» و به گودی که آب بدان منتهی می‌گردد، «النهی» و به غایت ارتفاع روز، «نهاءالنهار» می‌گویند. (عسکری اسلامپور، ۱۳۸۵، ص ۶).

معروف: در لغت به معنی شناخته شده و پسندیده و در مقابل منکر به معنی ناشناخته، ناپسند و زشت آمده است. در قرآن مجید نیز ماده «عرف» در بسیاری از موارد به معنی پسندیده و نیک استفاده شده است (عرب باقرانی، ۱۳۹۲، ص ۳). معروف در اصطلاح اسم است برای هر کاری که حسنش بوسیله عقل یا شرع شناخته شده است (سیدی، ۱۳۹۱، ص ۸). «معروف» از «عرف» به معنای مشهور، جود و بخشش، کار نیک و نیکی، انصاف و همراهی با اهل خانه و مردم آمده است؛ چنان که گفته شده است: معروف، ضد منکر و عرف، ضد نکر است و عرف، در اصل بر دو معنا دلالت دارد: ۱. پی در پی بودن چیزی به صورت پیوسته. مانند یال اسب، تاج خروس، بلندی های مکانی و موج دریا؛ ۲. آنچه سبب آرامش می‌گردد؛ زیرا انسان، از منکر ترس دارد و از آن فرار می‌کند و به معروف، آرامش می‌یابد. عرب به بوی خوش «عرف» می‌گوید؛ زیرا نفوس انسانی، بدان وسیله سکون پیدا می‌کند. معروف و عرفان، از همین باب است. (عسکری اسلامپور، ۱۳۸۵، ص ۶)

منکر: ماده «منکر» در بسیاری از موارد به معنای ناپسند و زشت به کار رفته است. منکر یعنی هر کاری که عقول سالم به قبض حکم می‌کنند یا عقول در حسن و قبض متوقف می‌شوند. سپس شرع به قبض حکم می‌کند (اصفهانی، ۱۳۸۳، ص ۳۰). استاد شهید مطهری می‌فرماید تمام هدف های مثبت اسلامی داخل در معروف و تمام هدف های منفی اسلامی داخل در منکر است. مقصود از امر و نهی تنها امر و نهی لفظی نیست بلکه مقصود استفاده کردن از هر وسیله مشروع برای پیشبرد اهداف اسلامی است، پس باید بگوییم لزوم استفاده از هر وسیله مشروع برای پیشبرد اهداف اسلامی است. (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۶۷)

دیدگاه قرآن کریم در مورد امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم با بیانات مختلف و تاکیدات فراوان بیان شده که به برخی از این آیات اشاره می‌گردد: در بیان صفات ممتاز مؤمنان می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَا بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ (توبه، ۷۱)، مردان و زنان با ایمان ولی (و یار و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند». به موجب این آیه، افراد مؤمن به سرنوشت یکدیگر علاقمند بوده و به منزله یک پیکر می‌باشند. پیوند سرنوشت ها موجب می‌شود که تخلف و انحراف یک فرد، در کل جامعه تأثیر بگذارد؛ چنان که یک بیماری واگیر در صورتی که معالجه نگردد، از فرد به جامعه سرایت نموده و سلامت آن را به خطر می‌اندازد. در جای دیگر می‌فرماید: «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». (آل عمران، ۱۰۴).

در آیه فوق به طور وضوح و جوب آمده است، زیرا کلمه «ولتکن» امر است و ظاهر امر ایجاب است و در این آیه توضیحی است مبنی بر این که رستگاری منوط بر آن است، زیرا به طور حصر بیان کرده و فرموده است: «و اولئک هم المفلحون» و نیز در آیه آمده است که این عمل واجب کفایی است نه واجب عینی، زیرا وقتی که گروهی اقدام کردند، از دیگران ساقط می‌گردد، چون فرموده است که همگی امر به معروف کنید، بلکه فرموده است: باید جمعی از میان شما دعوت به نیکی کنند. بنابراین هرگاه یک

فرد و یا جمعی اقدام کنند، تکلیف از دیگران برداشته شده و رستگاری از آن کسانی خواهد بود که امر به معروف کرده اند ولی اگر تمام مردم از آن خودداری کنند ناگزیر گناه متوجه تمام کسانی است که توانایی انجام آن را داشته اند. خداوند متعال فرموده است «لیسوا سواء من اهل الكتاب امه قائمه يتلون آيات الله آناء الليل و هم يسجدون، يؤمنون بالله و اليوم الآخر و يامرون بالمعروف و ينهون عن المنكر و يسارعون في الخيرات و اولئك من الصالحين» (آل عمران، ۱۱۳-۱۱۴). در این آیه خدای متعال، صالح بودن آنان را به صرف داشتن ایمان به خدا و روز واپسین گواهی نکرده است، بلکه امر به معروف و نهی از منکر را نیز بر آن افزوده است. خداوند متعال فرموده است: «و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اوليا بعض يامرون بالمعروف و ينهون عن المنكر و يقيمون الصلوة» (توبه، ۷۱). مؤمنان را به انجام امر به معروف وصف کرده است. پس کسی که امر به معروف را ترک کند از جمع مؤمنان توصیف شده در این آیه خارج است. خداوند متعال فرموده است: «لعن الذين كفروا من بنی اسرائیل علی لسان داوود و عیسی بن مریم ذلک بما عصوا و كانوا یعتدون، كانوا لا یتناهون عن منکر فعلوه لبئس ما كانوا یفعلون» (مائده، ۷۸-۷۹). این نهایت سرزنش است، زیرا آنان را به علت ترک نهی از منکر سزاوار لعن و نفرین دانسته است. و خداوند متعال فرموده است: «کنتم خیر امه اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر». (آل عمران، ۱۱۰)

این سخن دلیل بر فضیلت امر به معروف است، زیرا بیانگر آن است که ایشان بدان وسیله بهترین امت بودند. همچنین خداوند متعال فرماید: «فلما نسوا ما ذکروا انجینا الذین ینهون عن السوء و اخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس بما كانوا یفسقون» (اعراف، ۱۶۵). به این ترتیب بیان می فرماید که ایشان به دلیل نهی از بدی نجات یافتند. این خود نیز دلیل بر وجوب نهی از منکر است. در جای دیگر خداوند متعال فرموده است: «الذین ان مکنهم فی الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر» (حج، ۴۱). در این آیه خدای متعال، امر به معروف و نهی از منکر را در شمار صفات نیکان و مؤمنان، با نماز و زکات برابر کرده است. خداوند متعال می فرماید: «تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العداوان» (مائده، ۲). این دستور قاطعی است، و معنای تعاون، واداشتن دیگران به یاری رساندن به امر خیر و هموار کردن راه خیر و مسدود کردن راه های شر و تجاوز، در حد امکان است.

خداوند متعال فرموده است: «لولا ینهاهم الربانیون و الاحبار عن قولهم الاثم و اکلهم السحت لبئس ما كانوا یصنعون» (مائده، ۶۳). خداوند در این آیه بیان کرده است که آنان به دلیل ترک نهی از منکر، گناه کرده اند. خداوند متعال فرموده است: «فلو کان من القرون من قبلکم اولوا بقیه ینهون عن الفساد فی الارض الا قليلا ممن انجینا...» (هود، ۱۱۶). در این آیه خداوند بیان داشته است که همه آنان را، به جز اندکی که از فساد در روی زمین جلوگیری می کردند، هلاک کرده است. و نیز خداوند متعال فرموده است: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهدا لله و لو علی انفسکم اوالوالدین و الاقربین» (نساء، ۱۳۵). این مطلب همان امر به معروف به پدر و مادر و خویشاوندان است. «لا خیر فی کثیر من نجویهم الا من امر بصدقه او معروف او اصلاح بین الناس و من یفعل ذلک ابتغا مرضات الله فسوف نؤتیة اجرا عظیما» (نساء، ۱۱۴). «و ان طائفتان من المؤمنین اقتتلوا فاصلحوا بینهما...» (حجرات، ۹). اصلاح همان جلوگیری از تجاوز و بازگرداندن به طاعت خداست، و اگر متجاوز برنگشت، خداوند دستور به مبارزه با او را داده و فرموده است: «فقاتلوا التی تبغی حتی تفرغ الی امر الله» (حجرات، ۹). و این همان نهی از منکر است.

از مجموع آیات فوق چنین بر می آید که امر به معروف و نهی از منکر دارای اهمیت بسیار زیادی از منظر قرآن کریم می باشد و همه آحاد جامعه اعم از دولتمردان و عموم مردم را شامل می شود.

سیره پیامبر و ائمه معصومین در بحث امر به معروف و نهی از منکر

خداوند اولین مربی عالم است و بعد از خداوند، پیامبران مریبان انسان‌ها در این کره خاکی هستند که این وظیفه مهم بر دوش آنان نهاده شده است و در پایان، پیامبر اکرم و امامان معصوم این مسؤلیت سنگین را بر عهده دارند، تا انسان‌ها را به گونه‌ای تربیت کنند که مصداق درست خلیفه خدا در روی زمین باشند، چنانکه خداوند در کتاب مقدسش درباره پیامبر(ص) فرموده است: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»؛ به یقین، خدا بر مؤمنان منت نهاد که پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت، تا آیات خود را برایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد، قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند (آل عمران، ۱۶۴).

از آنجا که وظیفه اصلی پیامبر(ص) طبق این آیه تربیت است باید دید در این راه از امر به معروف و نهی از منکر چگونه استفاده نموده و سیره‌اش چه بوده است؟ آنچه را که به جرأت می‌توان ادعا کرد این است که در سیره پیامبر(ص) (ص) بیشترین و مهمترین کارکرد تربیتی را «امر به معروف و نهی از منکر» داشته است و پیامبر(ص) هم در مراحل مختلف از روش و شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر برای تربیت انسان‌ها استفاده می‌نموده است، که از آن میان، چند مورد از سیره آن حضرت در اجرای امر به معروف و نهی از منکر بیان می‌شود: به عنوان نمونه می‌توان به داستان مرد صحرائین که از پیامبر(ص) تقاضای کمک کرد و چون پیامبر(ص) به او مقداری کمک کرده بود که در نظر آن مرد ناچیز و اندک جلوه کرده بود، به پیامبر(ص) اهانت کرد و اصحاب آن حضرت را به خشم آورد؛ که نزدیک بود به او آسیبی برسانند، ولی رسول اکرم(ص) او را به خانه برد و دوباره کمک کرد و در ضمن این کار را کرد تا وضع زندگی آن حضرت را از نزدیک ببیند. پس از آن که وضع پیامبر(ص) را تماشا کرد و دانست که به شاهان شباهت ندارد و سیم و زری نیندوخته است به دلیل اهانتش از پیامبر(ص) عذرخواهی کرد، ولی پیامبر(ص) به او امر فرمود تا عذرخواهی را در حضور اصحاب تکرار کند تا کینه‌ای که اصحاب نسبت به او داشتند برطرف شود. پیامبر(ص) با این کارش او را رام و وادار به عذرخواهی کرد و در دل او محبت ایجاد کرد و او را از جمله مشتاقان دین ساخت و به سعادت و افتخار نزدیک نمود، و نیز به اصحابش فهماند که همواره مدارا و بردباری بیش از خشونت کاربرد تربیتی دارد. چنانکه پیامبر(ص) در باره همان شخص به اصحابش خطاب می‌فرماید: «داستان این مرد شبیه داستان مردی است که شترش رمیده بود و مردم به قصد کمک به دنبال شتر می‌دیدند و شتر بیشتر می‌رمید. صاحب شتر به مردم گفت: «به شترم کاری نداشته باشید من می‌دانم چگونه رامش کنم». آنگاه مقداری علف به دست گرفت و آرام به طرف شتر رفت و او را نوازش کرد و مهارش را گرفت و با خود آورد. پیامبر(ص) فرمود: اگر من نیز شما را در برابر اهانت و گفته آن مرد رها می‌کردم، او را می‌کشیدید و با این حال داخل در آتش می‌شد، اما با او مدارا کردم، از آتش نجات یافت و به دین گروید. و عاقبت نیکو یافت (عاملی، ۱۴۱۶ق، ص ۶۵). در نهایت از تربیت شدگان مکتب حیات بخش به حساب آمد.

از دیگر مصادیق کاربرد امر به معروف و نهی از منکر، در سیره پیامبر (ص) فرستادن پیک‌ها و نامه‌های تربیتی آن حضرت به اطراف و اکناف عالم را می‌توان برشمرد که همه از کارکرد امر به معروف و نهی از منکر در سیره پیامبر (ص) حکایت دارند که در ذیل تا حد توان از آن بحث خواهیم کرد. یکی از سیره‌های پیامبر (ص) این بود که امر به معروف و نهی از منکر را با مراحل آن اجرا می‌کردند، یعنی از کم آغاز می‌نمودند و آنگاه شدت می‌بخشیدند، از آنجا که گفته‌اند: «امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان یک امر اجتماعی در موارد گوناگون جنبه ارشادی دارد و از این جهت نیز یک روش تربیتی اساسی است. انسان طبیعتاً ارشاد را بهتر از دستور دادن تحمل می‌کند.» (فراهیدی، ۱۴۰۸، ق، ص ۱۲۰). پیامبر (ص) به نحو شایسته ارشادی بودن آن را در سیره‌اش نشان می‌داد که نمونه آشکار آن را در داستان سمره بن جندب می‌بینیم که علمای اصول از آن برای قاعده لاضرر استفاده کرده‌اند. در داستان سمره، پیامبر (ص) کاملاً مراحل را رعایت فرموده و از ملایمت و مرحله اول امر به معروف و نهی از منکر استفاده نموده است تا آخرین مرحله لازم.

داستان سمره چنین است: زراره از امام باقر (ع) روایت می‌کند که «سَمْرَةَ بِنَ جُنْدَب» در باغ مرد انصاری درخت خرمايي داشت که خانه انصاری در آنجا بود، سمره به سراغ نخلش می‌رفت بدون اینکه اجازه‌ای بگیرد و [یا الله بگوید] مرد انصاری گفت: ای سمره تو همواره ناگهان و بی اطلاع وارد باغ می‌شوی و ما در شرایطی قرار داریم که خوشایند نیست وقتی وارد باغ می‌شوی اجازه بگیر! من در راهی که مربوط به درخت خودم است اجازه نمی‌گیرم. مرد انصاری به رسول خدا (ص) شکایت کرد، رسول خدا (ص) سمره را احضار کرد و فرمود فلانی از تو شکایت دارد، از اینکه بدون اجازه او و خانواده‌اش وارد باغ می‌شوی. از این پس با اجازه و اطلاعشان وارد باغ شو! آیا در راهی که متعلق به باغ خودم است اجازه بگیرم نه چنین نخواهم کرد. پس در این صورت باغ را واگذار کن تا در برابر آن درختی در فلان جا به تو می‌دهم. نه چنین نمی‌کنم. در برابر آن دو تا درخت می‌دهم. نمی‌خواهم معامله کنم. پیامبر (ص) مرتب بر تعداد درختان می‌افزود که او را راضی کند، تا به ده اصله درخت رسید ولی سمره راضی نمی‌شد. آنگاه پیامبر (ص) فرمود: در برابر درخت تو ده اصله درخت در فلان مکان بهتر می‌دهم. نه مبادله نمی‌کنم. درخت را واگذار ، تو را درختی در بهشت می‌دهم! نه راضی نمی‌شوم. تو شخص ضرر زنده‌ای هستی درحالی که: «لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ عَلَيَّ مُؤْمِنٍ»، آنگاه پیامبر (ص) دستور داد تا آن درخت را از ریشه بکنند و به سمره فرمود: درخت را بردار و هر جا که می‌خواهی بکار. (قمی، ۱۴۰۸، ق، ص ۱۶۵)

در این داستان می‌بینیم که چگونه پیامبر (ص) با ملایمت و مدارا سمره را وادار می‌سازد تا از راه لجاجت برگردد و به راه درست و به سوی تربیت رهنمون سازد اما متأسفانه سمره این لیاقت را نداشت. سیره پیامبر (ص) در چنین موارد این بود که: «در جایی اعمال زور، در جای دیگر نرمش و ملاحظت. هر کدام را در جای خودش به کار می‌برد» (کلینی، ۱۳۸۷، ص ۴۵). تا هم خود آن شخص تربیت شود هم مانع تربیت دیگران نشود. پیامبر (ص) افزون بر اینکه در عمل آنگونه از امر به معروف و نهی از منکر کار می‌گرفت که همواره باید به نتیجه درست و سازنده تربیتی منتهی شود، در سخن نیز تأکیدی بسیار داشت و آن را سازنده‌ترین عامل به حساب می‌آورد.

چنانکه در سخنان گهربار آن حضرت همواره روی این مطلب تکیه و تأکید گردیده است و در حدیثی از آن حضرت چنین می‌خوانیم: «لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نَزَعَتْ

مِنْهُمْ الْبَرَكَاتُ وَ سَلَطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ص ۸۹). مردم همواره به خوبی و سلامت به سر خواهند برد تا وقتی که امر به معروف و نهی از منکر را به پا دارند و با همدیگر به نیکی و تقوا کمک کنند. اما آنگاه که چنین نکنند، یعنی امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند. برکات از میانشان برداشته می‌شود و برخی بر برخی دیگر چیره می‌گردد که یآوری در آسمان و زمین ندارند و دستشان از همه جا کوتاه است.

در جایی که امر به معروف و نهی از منکر با همه شرایطش اجرا شود، حساسیت عمومی نسبت به گناه در دل‌ها موج می‌زند اما آنگاه که این سنت پسندیده متروک واقع شود، همان شرایط و اوضاع غلبه می‌یابد که پیامبر (ص) شرح داده است، بدان حاکم می‌شود و خوبان در گوشه‌ها می‌خزند و در چنین محیط و اوضاع تربیت سالم مشکل می‌شود. از طرف دیگر پیامبر(ص) در نامه‌هایی که برای قبایل و سران ملت‌ها می‌فرستاد، تا آنان را به سوی دین دعوت نماید، یکی از اهداف آن را امر به معروف و نهی از منکر معرفی می‌فرماید، جای تردید نیست که پیامبر (ص) در دعوت نامه‌هایش جز تربیت انسان‌ها هدف دیگری نداشته است. زیرا اصل بعثت پیامبر(ص) به منظور تربیت و تعلیم بوده؛ در نامه‌ای که برای بنی تمیم فرستاده است حکایت گر همین معنا است.

در ذیل در یکی از نامه‌های آن حضرت چنین می‌خوانیم: کتابه اِلی بنی تمیم: «فیما کتب اِلینا محمد بن عبدان و اِجازه لنا قال ثنا اِسماعیل بن اِسحاق قال ثنا حجاج عن حماد یاسناد له: «أَنَّ كِتَابَ النَّبِيِّ جَاءَ إِلَى بَنِي تَمِيمٍ، فَقَالَ الْأَحْنَفُ: اِیْلَى مَا یَدْعُو؟ فَقَالَ: اِیْلَى الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَقَالَ: قَوْلُ حَسَنِ، قَالَ: فَأَخْبَرَ النَّبِيَّ فِدْعَا لَه» (حلی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۵۴). وقتی دعوت نامه پیامبر(ص) به طایفه بنی تمیم رسید احنف پرسید: به چه چیزی ما را دعوت می‌کند؟ به او گفتند: به امر به معروف و نهی از منکر. گفت: «سخن زیبا و دعوت نیکویی است». به پیامبر(ص) این حکایت را اطلاع دادند، پیامبر (ص) برای گوینده آن دعا فرمود. در آغاز بیان کردیم که از مصادیق سیره تقریر پیامبر(ص) به حساب می‌آید، در این گفتگو نه تنها تقریر آن حضرت وجود دارد بلکه دعای آن حضرت نیز برای گوینده آن سخن، اهمیت بیشتری را می‌رساند که یکی از مهمترین راه‌ها امر به معروف و نهی از منکر است.

همچنین یکی از شیوه‌های تأثیر گذاری امر به معروف و نهی از منکر این است که این سنت نیکو دست جمعی به وسیله مسلمانان برگزار شود زیرا امر به معروف و نهی از منکر برای این تشریح شده است تا طغیان گری رشد نکند. چه طغیان در برابر خدا، چه در برابر خلق خدا. جامعه‌ای که به سنت امر به معروف و نهی از منکر عمل نمایند، جامعه ظلم ستیز و شایستگان و زمینه مساعد برای رویش عدل خواهد بود، که دانه‌های بیداد هرگز در چنین سرزمین رشد نخواهد کرد. جامعه‌ای که در برابر افراد و گروه‌های خویش احساس مسؤولیت نکند، آرام آرام به سوی ناامنی به پیش خواهد رفت و زمینه‌های رشد نابود خواهد شد و استعدادها صرف اموری بیهوده خواهد شد، و در نتیجه زمینه‌های ناهنجاری‌های تربیتی به وجود خواهد آمد. از این رو خداوند یکی از وظایف مؤمنان را در شرایطی که اختلاف میان گروه‌های جامعه بالاگیرد، اجرای امر به معروف و نهی از منکر بیان می‌دارد، آنهم به صورت بسیج عمومی و در این زمینه می‌فرماید: «وَ اِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَاِنْ بَغْتِ اِحْدَاهُمَا عَلَى الْاُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِىءَ اِلَى اَمْرِ اللّٰهِ فَاِنْ فَاءَتْ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَ اُقْسَطُوا اِنَّ اللّٰهَ يَحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (حجرات، ص ۴۹). اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند، میان آن دو را اصلاح دهید، و اگر باز یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد، با آن

طایفه‌ای که تعدی می‌کند بجهنگید تا به فرمان خدا بازگردد. پس اگر بازگشت، میان آنها را دادگران سازش دهید و عدالت کنید، که خدا دادگران را دوست می‌دارد.

در یکی از شأن نزول‌های این آیه گفته‌اند: میان دو طایفه اوس و خزرج نزاعی به وجود آمد که نزدیک بود کار به جاهای باریک بکشد و این آیه نازل شد و مسلمانان را مکلف ساخت که در چنین مواردی باید دخالت کنند و به نزاع پایان دهند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۴). این یکی از مهمترین راه‌ها برای جلوگیری از اختلافاتی است که کمر مسلمین را شکسته و بدترین راه نفوذ دشمنان اسلام است که همواره از این حربه استفاده نموده‌اند، شعار: «اختلاف بینداز و حکومت کن» یکی از شعارهای مهم استعماری است که در طول تاریخ بر مسلمانان و اقلیت‌ها اجرا شده است. اکنون هم، تنها راه مطمئن برای نجات جوامع اسلامی، عمل به همین دستور کوتاه قرآن و احیای این سنت است که همگان مشارکت کنند. و دولت‌ها و ملت‌ها با هم بسیج گشته، به نبرد طغیان‌گران برخیزند. که از آشکارترین مصادیق امر به معروف و نهی از منکر به حساب می‌آید. از آنجا که پیامبر گرامی اسلام (ص) حاکم دولت اسلامی است و ولایت بر جان‌ها دارد، نخستین مخاطب این آیه است و مردم را به این سنت حسنه برای رسیدن به آرامش و امنیت در عمل تشویق و تأیید فرموده است که امر به معروف و نهی از منکر، یکی از مهمترین راه‌های تربیتی اسلام است به خصوص در جایی که لازم باشد تا دسته جمعی انجام شود. تا جلوی بدی‌ها گرفته شده و زمینه برای رشد استعدادها مهیا گردد و جنگ و اختلاف همواره زمینه‌های ترقی را از بین می‌برد و استعدادها را خاموش می‌کند، از این رو خداوند دستور می‌دهد که همه افراد با ایمان سهم گیرند و نزاع را از جامعه اسلامی ریشه کن سازند. در اندیشه امیرالمومنین فریضه امر به معروف جایگاه ویژه‌ای داشته است و آن را بالاتر از جهاد مطرح کرده است.

در بیان اهمیت و ضرورت این نظارت، از حضرت علی(ع) روایت شده است که هیچ کار نیکی با آن برابری نمی‌کند حتی جهاد در راه خدا و تمامی خوبیها در مقایسه با آن همچون قطره اند در برابر دریا. «و ما اعمال البر و الجهاد فی سبیل الله عند الامر بالمعروف و النهی عن المنکر الا کنفثه فی بحر لجمی» (نهج البلاغه، حکمت، ۳۷۴). امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «و ما اعمال البر کلها و الجهاد فی سبیل الله عند الامر بالمعروف و النهی عن المنکر الا کنفثه فی بحر لجمی، یعنی امر به معروف و نهی از منکر، در مقیاس وسیع و عمومی خود، حتی از جهاد بالاتر است؛ چون پایه دین را محکم می‌کند». اساس جهاد را بر امر به معروف و نهی از منکر استوار می‌کند.

در اندیشه سیاسی و سلوک حکومتی امام علی(ع) مردم در اصلاح جامعه و جلوگیری از انحرافات اجتماعی و سیاسی نقش اصلاحی و بنیادی داشتند و تحقق حکومت و صلاح اجتماع و سامان و نیز پابرجایی و سیر آن به سوی اهداف به مردم بسته بود. در مدل این مکتب، نظارت تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر شامل اصلاح و کنترل قدرت حاکمان و جلوگیری از انحراف جامعه به سوی فساد و بر گسترش حق و عدل و تعمیم فرهنگ و آموزش عمومی نیز استوار است. نظارتی که گاه تا مرز دخالت و اجرا پیش می‌رود و یک مسئولیت همه جانبه را بردوش آحاد مردم می‌گذارد. چک لیست این نظارت، کنترل عدل محوری و رعایت خط قرمز بی عدالتی و ظلم است و از امور عبادی و شخصی آغاز و تا مسائل علمی، آموزشی، اجتماعی، سیاسی، قضائی و امنیتی پیش می‌رود. روند انسجام و سازماندهی شبکه نظارت همگانی که در عصر نخستین و با تدابیر و مدیریت پیامبر اکرم (ص) آغاز و طراحی شده بود، در زمان امیرالمؤمنین(ع) با توجه به افزایش تهدیدات فرهنگی، جدیت بیشتری یافت. در زمان

پیامبر اکرم (ص) تهدیدات جامعه اسلامی بیشتر در بخش نظامی بود اما در زمان امیرالمؤمنین (ع) مطامع مادی، گرایشهای فرقه ای، عرفانهای سلیقه ای هرکدام زمینه ای برای پدید آمدن منکراتی کاملاً متفاوت از عصر نبوی پدید آورده بود که حضور تمامی مسلمین در عرصه اصلاح می توانست چاره ساز آن باشد. نهج البلاغه، منعکس کننده بخشی از گزارشاتی است که از طریق سیستم مردمی به مرکز حکومت واصل می گردید و اقدام لازم بر اساس آن معمول می شد. کارکرد این گزارشات و حضور فعال سیستم مردمی به تعدیل والیان و گسترش عدالت در نظام علوی منتهی می گردید. به مسئله نظارت همگانی در نهج البلاغه در ۱۳۴ مورد اشاره شده است از جمله در خطبه ای که در تشویق مسلمانان به جهاد ایراد فرمود، از آوردن این عمل صالح به ظلم و بی عدالتی تحذیر نموده است. در ادامه به بخشی از این گزارشها اشاره می شود.

«ولقد بلغنی ان الرجل منهم کان یدخل علی المرآه المسلمه والاخری المعاهده فینزع حجلها و قلبها و قلائدها و رعاتها ماتمتنع منه الا بالاسترجاع و الاسترحام».

یعنی به من گزارش رسیده که در برخی از نقاط، جهادگران فراتر از محدوده شرعی به زن مسلمان یا ذمی تعرض کرده و جواهرات او را از وی ستانده اند، و وقتی این گزارش به فرماندهان آنان داده شد فقط با استرجاع و استرحام با آن برخورد کرده اند اگر مسلمان از این غم بمیرد کم است. «نهج البلاغه، خطبه ۲۷»

در نامه دوم نهج البلاغه به شریح بن الحارث قاضی او در مرکز حکومت می نویسد: مطلع شده ام خانه ای به قیمت ۸۰ دینار خریده ای و قولنامه آن را امضاء کرده ای و شهود نیز پای آن را امضاء کرده اند؟! شریح حضوراً پاسخ داد که خبر خرید خانه ای ۸۰ دیناری صحت دارد. حضرت، نگاهی غضب آلود به او کردند و سپس فرمودند: بزودی کسی بر خانه تو وارد می شود که از تو مطالبه شاهد برای اثبات ملکیت خانه ات نمی کند تو را از آن خانه بیرون و به خانه قبر وارد می سازد. پس خوب بررسی کن که این خانه را از مال دیگران یا اموال غیر حلال نخریده باشی! و اگر به من مراجعه می کردی برای نوشتن قولنامه من مبیعه نامه ای تنظیم می کردم که حتی با یک درهم حاضر نباشی این خانه را خریداری کنی. (نهج البلاغه، نامه ۳).

هنگامی که در مورد یکی از فرمانداران حضرت، در ناحیه فارس خبر خیانتی رسید به او نوشت خبری به من رسیده که اگر راست باشد شتران قوم تو و بندکفش تو از تو نزد من محبوب تر و ارزشمندتر خواهد بود. گزارش دیگری که از سیستم نظارت همگانی به آن حضرت رسید و به اصطلاح امروزه بازتاب رسانه ای یافت، خبر حضور فرماندار بصره در یک مهمانی اشرافی بود که متعاقب آن، رئیس حکومت اسلامی در نامه ای رسمی اما عتاب آلود و عدالت مدارانه او را به سختی مورد سرزنش قرار داد و مأموم را بر ضرورت اقتداء به امام خود فراخواند و فرمود: «الا و ان امامکم قد اکتفی من دنیاه بطمریه ومن طعمه بقرصیه، الا و انکم لاتقدرون علی ذلک ولکن اعینونی بورع و اجتهاد و عفه و سداد». یعنی پیشوای شما از دنیا به پیراهن و شلوار کهنه ای اکتفا کرده و از خوردنیهای آن قرص نان خشکی را برگزیده است. می دانم که شما نمی توانید اینگونه باشید لکن مرا به پرهیزگاری و تلاش و پاکدامنی و پایداری کمک کنید «نهج البلاغه، نامه ۴۵» .

در یکی دیگر از اسناد گزارشات مردمی آن بزرگوار چنین می خوانیم: «به من خبر رسیده که اگر راست باشد تو با این کار، خدا را به خشم آورده ای و از امام و فرمانده خود نافرمانی نموده ای. به من اطلاع داده اند که تو از زمین های زراعی عمومی

به نفع خود سوء استفاده کرده ای! فوراً صورت اموال و درآمدهای خود را برای من ارسال کن و بدان حسابرسی خدا دقیق تر از حسابرسی انسانهاست «نهج البلاغه، نامه ۴۰». و در روایت دیگر از امام حسین (ع) داریم: قال الحسين (ع): "... انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی، ارید ان آمر بالمعروف و انهی عن المنکر...". (فخر زارع و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۸۵). امام حسین (ع) در نامه معروفش به برادرش محمد حنفیه درباره فلسفه قیامش در فرازی می فرماید: من برای اصلاح امت جدم رسول خدا (ص) قیام کردم، می خواهم امر به معروف و نهی از منکر نمایم. لذا امر به معروف و نهی از منکر فریضه ای است که بزرگان دینی بر آن تاکید داشتند و آن را مایه قوام جامعه می دانستند.

روش های صحیح امر به معروف بر اساس تعالیم اسلام

امر به معروف و نهی از منکر به طور مستقیم با دین و دنیا و آبروی افراد در ارتباط است و لذا از حساسیت ویژه ای برخوردار می باشد. همان گونه که رها کردن این واجب الهی، هلاکت بار و خطر آفرین است، اجرای آن نیز بدون رعایت حدود و توجه به شرایط و مراتب و روحیات و ظرفیت افراد، زیان بار خواهد بود. در قرآن کریم و سیره عملی بزرگان دین و سخنان آنان، نکات بسیار مهم و ارزشمندی وجود دارد که می توان از آنها برای انتخاب روش های صحیح امر به معروف و نهی از منکر مدد گرفت. در این قسمت به برخی از این نکات اشاره می کنیم.

۱. توجه به ظرفیت ها

یکی از شیعیان می گوید: در حضور امام صادق (ع) در باره عده ای سخن به میان آمد. من به امام عرض کردم: ما از آنان بیزاریم، زیرا آنان به آنچه ما قائلیم، قائل نیستند. امام فرمود: با این که آنان دوستدار ما هستند اما به آنچه شما قائل هستید، قائل نیستند، شما از آنان بیزارید؟! گفتم: آری. امام فرمود: اگر چنین است ما نیز از مزایایی برخورداریم که شما از آنها بی بهره اید، در این صورت آیا ما هم باید از شما بیزاری بجوییم؟! با آنها دوستی کنید و از آنها بیزاری مجویید، زیرا بعضی از مسلمانان از اسلام یک سهم و بعضی دو سهم و بعضی هفت سهم دارند. سزاوار نیست بر دوش آن که از اسلام یک سهم دارد به اندازه آن که دو سهم دارد، بار بگذاریم. (عاملی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۲۷).

از این داستان، دو نکته مهم به دست می آید:

۱. ما نمی توانیم فردی را به دلیل پایین بودن درجه ایمانش در انزوا قرار دهیم و با او معاشرت نکنیم.
۲. از هر کسی باید متناسب با درجه ایمانش انتظار داشته باشیم و بیشتر از آن بر او تحمیل نکنیم. علاوه بر ایمان، توجه به روحیات، قدرت تحمل و میزان شوق و ذوق و حوصله افراد، در دعوت به خوبی ها و یا دور کردن از زشتی ها مهم است. ممکن است افراد سالخورده قدرت تحمل یک یا دو ساعت سخنرانی یا پند و اندرز را داشته باشند، اما نوجوانان چنین تحملی را ندارند. در روایتی آمده است: مردی به پیامبر اکرم (ص) عرض کرد: ای رسول خدا! امام جماعت ما آن قدر نماز را طول می دهد که به سختی می توانم نماز را بخوانم. پیامبر (ص) آن روز با حالتی عصبانی در موعظه ای فرمود: ای مردم! شم ا، دیگر مردمان را فراری می دهید. هر کس با مردم نماز می خواند باید نماز را مختصر برگزار کند که در میان آنان مریض و ناتوان و کسی هست که به دنبال کاری است. (بخاری، ۱۳۴۴، ص ۳۱)

۲. بهره گیری از روش های غیر مستقیم

بعضی افراد تحمل شنیدن اندرزها و یا انتقادهای مستقیم را ندارند، از این رو باید برای اصلاح رفتار آنان از روش غیر مستقیم استفاده کرد. استاد شهید مرتضی مطهری (ره) در این باره می فرماید: برای روش غیر مستقیم، حدیث معروفی را برای شما ذکر می کنم، ببینید این روش چقدر مؤثر است. امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در حالی که هر دو طفل بودند، به پیرمردی که در حال وضو گرفتن بود، برخورد می کنند، متوجه می شوند که وضوی او باطل است. این دو آقازاده که به رسم اسلام و رسوم روانشناسی آگاه بودند، فوراً متوجه شدند که از یک طرف باید پیرمرد را آگاه کنند که وضویش باطل است و از طرف دیگر اگر مستقیماً به او بگویند آقا وضوی تو باطل است، شخصیتش جریحه دار می شود، ناراحت می شود، اولین عکس العملی که نشان می دهد این است که می گوید: نخیر، همین طور درست است، هر چه بگویی گوش نمی کند، بنابراین جلو رفتند و گفتند: ما هر دو می خواهیم در حضور شما وضو بگیریم، ببینید کدام یک از ما بهتر وضو می گیریم.

امام حسن (ع) یک وضوی کامل در حضور او گرفت، بعد هم امام حسین (ع). تازه پیر مرد متوجه شد که وضوی خودش نادرست بوده. بعد گفت: وضوی هر دوی شما درست است، وضوی من خراب بود. این طور از طرف اعتراف می گیرند. حالا اگر در این جا فوراً و به طور مستقیم می گفتند: پیرمرد! خجالت نمی کشی با این ریش سفید هنوز وضو گرفتن را بلد نیستی؟! مرده شور ترکیبت را ببرد، او از نماز خواندن هم بیزار می شد (مطهری، ۱۳۶۵، ص ۱۰۰). ایشان در چگونگی بهره گیری از این روش می فرماید: اگر می خواهید به شکل غیر مستقیم امر به معروف بکنید، یکی از راه های آن این است که خودتان صالح و با تقوا باشید، خودتان اهل عمل و تقوا باشید (مطهری، ۱۳۶۵، ص ۱۰۰).

این یک غفلت عظیم و اشتباه بزرگی است امروز در اجتماع ما که برای گفتن و نوشتن و خطابه و مقاله و خلاصه برای زبان و مظاهر زبان، بیش از اندازه انتظار داریم ... و می خواهیم تنها با زبان و گوش همه کارها را انجام دهیم و انجام نمی شود، ناراحت می شویم و ناله و فغان می کنیم و می گوییم:

گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله من آنچه البته به جایی نرسد فریاد است

این شعر برای ما در همه زمان ها صادق بوده و هست. فکر نمی کنیم که ما اشتباه می کنیم، ما بیش از اندازه از این گوش و زبان بیچاره انتظار داریم... ما با دست خود و عمل خود خوب رفتار کنیم تا آنها با چشم خودشان ببینند، یک مقداری هم به این گوش و زبان بیچاره استراحت بدهیم. (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۶۸)

سعیدی می گوید:

ترک دنیا به مردم آموزند
خویشتن سیم و غله اندوزند
عالم آن کس بود که بد نکند
نه بگوید به خلق و خود نکند

البته بهره گیری از روش غیر مستقیم شکل دیگری نیز دارد و آن این که با بهره گیری از امکانات و ابزار فرهنگی جدید، از جمله نرم افزارهای آموزشی برای همه گروه های سنی، به فرهنگ سازی بپردازیم و جامعه را به سوی افکار و اخلاق پسندیده سوق دهیم که باید در جای خود از آن بحث کرد.

۳. ریشه یابی و درمان

هر خطا و اشتباهی که از دیگران سر می زند، ریشه و عاملی دارد، به عنوان مثال گاهی عامل گناه، ریشه روانی دارد، مانند کمبود محبت، و گاهی عامل گناه، به مسائل اجتماعی برمی گردد، مانند: بیکاری. در این صورت، مبارزه اساسی با انحرافات ناشی از این گونه عوامل، در گرو مبارزه با ریشه هاست، یعنی تأمین محبت و نیاز عاطفی برای عامل روانی، یا ایجاد اشتغال برای عامل اجتماعی. یکی از اصحاب پیامبر(ص) می گوید: ما و پیامبر اکرم (ص) در مسجد بودیم که یک اعرابی، فرد نا آشنا به دستورات دین، داخل مسجد شد و مشغول ادرار گردید. اصحاب پیامبر(ص) بر آشفتند و او را از این کار منع کردند. پیامبر(ص) فرمود: با او کاری نداشته باشید. آنان او را رها کردند. آن گاه پیامبر(ص) او را نزد خود خواند و فرمود: مساجد نه محل ادرار است و نه محل کثافات دیگر، بلکه جایگاه ذکر خداوند بزرگ و نماز و قرائت قرآن است. (مسلم، ۱۳۲۹ق، ص ۱۶۳)

استاد شهید مرتضی مطهری(ره) به نقل از روزنامه ای می نویسد: در چندین سال پیش، در یکی از شهرهای کوچک، واقع در ایالت فیلادلفی(آمریکا) زن ها مبتلا به قمار بازی شده بودند. ابتدا کشیش ها و روزنامه نویس ها و خطبا و فصحا تا می توانستند راجع به بدی قمار خصوصاً برای زن ها گفتند و نوشتند، ولی مثل همین حرف های خودمانی مانند گردو روی گنبد، سر خورد و پایین افتاد و به جایی نرسید. تا آن که شهردار محل به فکر افتاد یکی دو تا باشگاه و نمایشگاه هنری زنانه دایر کند و سرگرمی های مناسب در آن جا فراهم نماید، از قبیل نمایش بچه های چاق و تندرست و جایزه دادن به مادران کاردان و از قبیل کارهای دستی و غیره که هر کدام برنامه و ترتیب خاصی داشت و مردم را سر ذوق می آورد، دو سه سالی از این جریان گذشت که زن های آن شهر به کلی قمار را فراموش کردند. (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۶۸).

۴. بهره گیری از فرصت ها

ممکن است برخی افراد به راحتی زیر بار حرف حق نروند و به اصلاح رفتار خود نپردازند. برخورد مناسب با چنین افرادی، بهره گیری از فرصت های طلایی است. قرآن مجید داستان باغ پر میوه و زیبایی را نقل می کند که در اختیار پیرمرد مؤمنی بود. او به قدر نیاز از آن بر می گرفت و بقیه را به نیازمندان می داد. هنگامی که چشم از دنیا پوشید، فرزندان گفتند: ما خود به محصول این باغ سزاوارتریم و مستمندان را محروم ساختند. در بین آنها برادر مؤمنی بود که برادران دیگر را از بخل ورزیدن و چنین کار زشتی باز می داشت، اما کسی به حرفش گوش نمی داد. پس از این تصمیم، شب هنگام که همه آنها در خواب بودند، بلایی فراگیر از ناحیه پروردگار بر باغ فرود آمد و آتش سوزان، آن باغ خرم و سرسبز را به مشتی خاکستر تبدیل کرد. صبحگاهان به یکدیگر گفتند: اگر می خواهید میوه بچینید، به سوی باغ حرکت کنید، مبادا کسی سخنشان را بشنود و از تصمیمشان با خبر شود. هنگامی که به باغ رسیدند، چنان وضعی بود که گفتند: این باغ ما نیست، ما راه را گم کرده ایم. در این میان آن برادر مؤمن با قدی سرفراز و زبانی گشوده و منطقی قوی، آنان را زیر رگبار ملامت قرار داده و گفت: آیا به شما نگفتم خدا را به عظمت یاد کنید و از مخالفت او بپرهیزید، شکر نعمت او را به جا آورید و نیازمندان را از اموال خود بهره مند سازید. (قلم: آیات ۱۱۷ الی ۳۲)

۵. اقدام همگانی

کار فردی در امر به معروف و نهی از منکر، چندان مفید نیست. همان طور که اگر آب تصفیه شده و پاک را بار دیگر در جویباران رها کنیم، آلوده می شود، محیط اجتماع نیز اگر نورانی نباشد و در برابر آلودگی ها عکس العمل نشان ندهد و یا افراد آلوده و فاسد مورد

تشویق قرار گیرند، مبارزه با بی بند و باری ها بسیار مشکل خواهد بود. استاد شهید مرتضی مطهری (ره) می فرماید: باید به این نکته توجه کنیم که عمل فردی، چندان مفید نیست، آن هم در دنیای فعلی. مشکلی که امروزه در زندگی اجتماعی ما هست این است که افراد اهل عمل توجهی به عمل اجتماعی ندارند و به اصطلاح تک رو هستند، در حالی که از عمل فردی کاری ساخته نیست، از فکر فردی کاری ساخته نیست، از تصمیم فردی کاری ساخته نیست، همکاری و همفکری و مشارکت لازم است. (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۶۸)

۶. برخورد دور از تبعیض

نکته مهمی که باید در اجرای امر به معروف و نهی از منکر مورد توجه قرار گیرد، برخورد عادلانه و به دور از تبعیض، با فسادها و خلاف کاری هاست. در عرصه مبارزه با متخلف، زد و بند، ملاحظات سیاسی، قومی و منطقه ای، این که فلانی دوست من است یا فلانی وابسته به فلان شخصیت است و نباید با او برخورد کرد و نظایر آن، عامل بی اعتمادی، جری شدن خلاف کاران و در نتیجه دور شدن از هدف های عالی امر به معروف و نهی از منکر است.

۷. نرم خویی و مهرورزی

امر به معروف و نهی از منکر، موضوعی بسیار حساس است و باید با مهر و عطف و انتخاب بهترین روش های اخلاقی همراه گردد. خدای بزرگ به حضرت موسی (ع) و هارون می گوید: نزد فرعون که ادعای خدایی کرده است بروید و با او به نرمی سخن گوید، شاید پند گیرد یا بترسد. (طه، ۴۴). همچنین خطاب به پیامبر اکرم (ص) می فرماید: ای پیامبر به خاطر برخورداری از رحمت خداوند، در برابر آنان نرم شدی و اگر خشن و سنگ دل بودی، از اطراف تو پراکنده می شدند. (آل عمران، ۱۵۹).

داد و فریاد راه انداختن، بد زبانی کردن، کتک زدن و تند خویی نمودن در برابر گناه کار با چنین وظیفه ای که از روی عشق به انسانیت و زندگی انجام می گیرد، سازگار نیست و جز نفرت و عکس العمل شدید طرف مقابل نتیجه ای نخواهد داشت.

۸. امر به معروف و نهی از منکر با رعایت حقوق

هر چند امر به معروف و نهی از منکر بسیار مهم است، اما نباید در مراحل مختلف آن، حقوق مسلمانان را نادیده گرفت و شخصیت و آبرویشان را مخدوش ساخت و لذا اجازه تجسس و پرده دری و پی جویی گناهان پنهان که در خلوت انجام می شود، به بهانه امر به معروف و نهی از منکر به کسی داده نشده است.

در تاریخ آورده اند: شبی از شب ها خلیفه دوم مشغول گشت زنی در کوچه ها و گذرها بود، به خانه ای رسید که صدای آواز از آن شنیده می شد. چون در بسته بود، خود را از دیوار بالا کشید و وارد خانه شد. گفت: ای دشمن خدا! پنداشتی خداوند چنین گناهی را بر تو می پوشاند؟ آن مرد گفت: تند مرو، اگر من گناهی کرده ام، تو مرتکب سه گناه شده ای! پرسید: کدام گناه؟ گفت: اول آن که، خداوند متعال می فرماید: تجسس نکنید (حجرات، ۱۲). و تو کرده ای؛ دوم آن که، خداوند می فرماید: از درها وارد خانه ها شوید (بقره، ۱۵۹) و تو از پشت بام وارد شده ای؛ سوم آن که، می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید، به خانه هایی جز خانه خود وارد نشوید، مگر این که آشنایی دهید و اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام کنید (نور، ۲۷) و تو بی اجازه و بی سلام وارد خانه دیگران شده ای. خلیفه گفت: اگر از تو بگذرم، راه خیری هست؟ گفت: آری. سپس خلیفه او را بخشید و از خانه خارج شد و او را به حال خود رها کرد.

البته در این جا باید یاد آور شویم کارهای خلافی که باندهای خلاف کار در مخفی گاه ها و لانه های فساد برای انحراف جوانان و به دام انداختن افراد ساده و ضعیف و مبارزه با حکومت حق انجام می دهند، جرمی است اجتماعی و نه شخصی؛ از این رو حق برخورد قانونی با رعایت مقررات برای دستگاه های قضایی محفوظ است.

در اجرای هر چه بهتر امر به معروف و نهی از منکر، نکات مهم دیگری وجود دارد؛ مانند: بازگو کردن خوبی های افراد در هنگام نهی از منکر یا تشویق عاملان به معروف، مخفیانه بودن امر و نهی، بهره گیری از روش سکوت و نادیده گرفتن لغزش ها در بعضی اوقات، خودداری از نهی از منکر به هنگام خشم و ... که برای پرهیز از طولانی شدن بحث، به همین مقدار بسنده می کنیم.

نتیجه گیری

بر اساس یافته های این پژوهش امر به معروف و نهی از منکر از فرائض بزرگ اسلامی است که اجرای آن آثار و برکات فراوانی را به دنبال دارد، امر به معروف و نهی از منکر از فروع دین اسلام و اجرای آن باعث برپا شدن واجبات و از بین رفتن منکرات و برقراری امنیت و آسایش در جامعه می شود؛ زیرا از نظر اسلام جامعه انسانی یک واحد به هم پیوسته است که اگر جلوی میکروب های موجود در یک عضو گرفته نشود، ناراحتی و مرض از یک عضو به سایر اعضا سرایت خواهد کرد. امر به معروف و نهی از منکر به منزله واکسیناسیون جامعه و جلوگیری از ابتلا به بیماری های روحی و روانی است. بر این اساس امر به معروف و نهی از منکر برای تمام جوامع ضرورت تام دارد؛ از این رو کسانی که به اجرای این فریضه الهی اقدام می کنند، باید خود نیز دارای ویژگی های ارزنده ای باشند تا کلام و سخن آنها در دیگران اثر بخشد، و با به کارگیری روش ها و شیوه های صحیح تربیتی که موافق روح و طبع افراد است، زمینه هدایت آنها را فراهم نمایند

فلسفه بعثت و دعوت پیامبر اسلام (ص) تربیت و هدایت انسان ها بوده و پیامبر گرامی اسلام در این راستا، از راه های بسیاری استفاده کرده که نمونه ای از آن، امر به معروف و نهی از منکر و نحوه اجرای آن است؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر دو عامل مهم تربیتی و بازدارنده از زشتی ها است. وظیفه ای است که افزون بر حاکم و دولت اسلامی، بر عهده همگان نهاده شده است، تا هر کس به قدر توان خویش بتواند، در تربیت عمومی سهم داشته باشد، ولی سیره پیامبر گرامی اسلام (ص) در اجرای امر به معروف و نهی از منکر به گونه ای بوده است که بتواند، به عنوان حاکم دولت اسلامی و به عنوان پیامبر رحمت بر همگان رحمت باشد و هم از هرج و مرج ها جلوگیری نماید.

قرآن کریم اولین وظیفه همه انبیا را امر به معروف و نهی از منکر می داند و خداوند متعال ۱۲۴ هزار پیامبر برای برپا داشتن امر به معروف و نهی از منکر فرستاده و این موضوع خود گویای ارزش بالای این فریضه در نزد خداوند و در بین مسلمانان می باشد. بر این اساس احساس مسولیت اجتماعی و نظارت اجتماعی همگانی در قالب فریضه امر به معروف و نهی از منکر از وظایف تک تک مسلمانان است. با در نظر گرفتن موارد مذکور و با توجه به فلسفه خلقت انسان که طبق بیان قرآن کریم عبودیت و بندگی است و از طرفی وجه تمایز انسان با سایر موجودات به ناطق و عاقل بودن انسان و حرکت او به سوی کمال می باشد، اهمیت و جایگاه این دو فریضه الهی، یعنی امر به معروف و نهی از منکر بیشتر تبیین و روشن می گردد. از آنجایی که انسان غافل است و به دلیل عارض شدن نسیان بسیاری از مواردی که مفید برای اوست، فراموش می کند. بنابراین امر به معروف و نهی از منکر جزء ضروریاتی است که در جهت نیل به کمال برای هر انسانی ضرورت پیدا می کند.

منابع

۱. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۳۴۴). صحیح بخاری. استانبول: المكتبة الاسلاميه للنشر و التوزيع، ج ۱.
۲. تقی پور، علیرضا (۱۳۷۶). جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در سیاست جنایی ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی مصطفی محقق داماد. دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۳. جبلی، پیمان (۱۳۷۲). نگاهی به ابعاد روانشناختی امر به معروفی و نهی از منکر. پایان نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی علی قائمی امیری. دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع).
۴. حدادیان، عذرا (۱۳۷۰). ترجمه و تحقیق کتاب امر به معروف و نهی از منکر از کتاب جواهرالکلام . پایان نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی علیرضا فیض. دانشگاه تهران.
۵. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۴ق). وسائل الشیعه. تهران: موسسه معارف اسلامی، جلد ۷.
۶. حر عاملی محمد بن الحسن (۱۳۶۰). وسائل الشیعه. تهران: موسسه معارف اسلامی، ج ۱۱.
۷. دایره المعارف قرآن کریم (۱۳۸۳). مرکز فرهنگ و معارف قرآنی. قم: بوستان کتاب، جلد ۴.
۸. زارعی، محمد مهدی (۱۳۷۲). امر به معروف و نهی از منکر و کیفیت اجرائی آن در جامعه. پایان نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی عبدالکریم عبداللهی نژاد. دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد.
۹. شریفی، عباس (۱۳۷۰). نظارت همگانی و متقابل بین مردم و دولت در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران و ارتباط آنها با مقوله های آزادی و مسئولیت. پایان نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی محمد هاشمی. دانشگاه تهران) پردیس قم).
۱۰. عسکری اسلامپور، مصطفی (۱۳۸۵). جایگاه امر به معروف و نهی از منکر. روزنامه کیهان (۳ اسفند). شماره ۱۸۷۲۲. ص ۶.
۱۱. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۶ق). مسالک الافهام إلی تنقیح شرائع الاسلام. تحقیق و نشر مؤسسه معارف اسلامی. قم: موسسه المعارف الاسلامیه .

۱۲. فخر زارع، حسین و دیگران (۱۳۹۲). ره توشه راهیان نور ویژه محرم الحرام . ویراستار علی نعیم خانی قم: نشر تازهور.
۱۳. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۸ق). کتاب العین. تحقیق مهدی المخزومی ، ابراهیم السامرائی ؛ گردآورنده محسن آل عصفور. قم: دارالهجره، جلد ۱.
۱۴. قمی، شیخ عباس (۱۴۰۴ق). کحل البصر فی سیره سید البشر. قم: رسول مصطفی.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷). کافی. ترجمه مهدی آیت الهی. تهران: جهان آرا. جلد ۴، چاپ دوم.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه، جلد ۲۲، چاپ ۳۲.
۱۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق). بحار الأنوار. بیروت: الوفاء.
۱۸. محقق حلی (۱۴۰۹ق). شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام. تحقیق سید صادق شیرازی. تهران: استقلال.
۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۶۵). حماسه حسینی. تهران: معارف .
۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). ده گفتار. تهران: معارف .
۲۱. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۳۶۴). المقنعه. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۲۲. نوری خراسانی، سید مرتضی (۱۳۵۵). امر به معروف و نهی از منکر و نظارت همگانی از نظر اسلام . پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۳. نیشابوری، مسلم بن حجاج (۳۲۹ق). صحیح مسلم. مکه: دارالطباعه الاعماره، ج ۱.
۲۴. روانشناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی. جمعی از مولفان. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ سمت، ۱۳۸۲.